

قبرمزی دانه‌های دلم

مجموعه شعر
مثنوی امان

شیر

انتشارات

قرمزی دانه‌های دلم

مجموعه شعر: مهدیه ایمنیان

گرافیک: جواد نیک‌خصال

ناظر چاپ: منوچهر صالحی

ناشر: شانی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰ تومان

سرشناسه: ایمنیان، مهدیه، ۱۲۷۲-

عنوان و نام پدیدآور: قرمزی دانه‌های دلم / مهدیه ایمنیان.

مشخصات نشر: کرج؛ شانی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۷۸ ص؛ ۱۲/۵×۲۰/۵ س.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۲-۵۵۲-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: PIR ۸۳۳۴

رده بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۷۵۹۳۵

نشرشانی: کرج بین چهارراه مصباح و

چهارراه کارخانه قند، جنب بانک مسکن، ساختمان ۳۸۵

۰۹۱۲۳۶۳۲۸۵۳ ۰۲۶-۳۲۲۶۲۱۰۵

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

مقدمه

این مقدمه کتاب من است
فرستی تنها برای اینکه کمی با شما صحبت کنم
و برای شما از کتابی که در دست دارید بنویسم
تمام آنچه از این کتاب در دستان شماست
احساس‌هایی از شبان و روزان زندگی من است
و حس‌هایی از آنست که آنقدر عظیم بودند که نمیتوانستم سنگینی
آن را به تنهایی تاب بیاورم
سنگینی و اشک و عظمت آن‌ها گاهی بسیار زیاد می‌شود
آنجا که نای فریاد برداشتن
باید بنویسی
و من نوشتم نه به امید خواننده شدن نه به امید نویسنده بودن تنها برای
آنکه کمی
تنها کمی سبک‌تر باشم کمی رهاتر
و من نوشتم
از عشق از دوست داشتن از رهایی
در شعری دخترکی امیدوار و عاشق میشدم و
در شعری دخترکی که غمگین است و از معشوق خیالی‌اش جدا شده
از طبیعت از خدا و امیدواری و روزهای روشن
نوشتم از هر چیزی که همه ما آن را لمس خواهیم کرد
هیچ‌گاه برای نوشته‌های عاشقانه‌ام به دنبال یک معلول نبوده‌ام
هر آنچه در کتاب است تجربه نیست تنها احساس رویا پردازی و هنر قلم است
عشق زیبایی انسان هاست انسانی که عاشق می‌شود بسیار بسیار خوش

شانس است

ولی منی که تنها توانسته‌ام عشق را با نوشتن تجربه کنم
احساس می‌کنم با تمام وجود عشق را لمس کرده‌ام
عشق با نوشته‌هایم تلفیق شد و مرا عاشق ساخت
عشق با چهره‌ای دیگر از همان کودکی به سراغ من آمد من دیگر
در سال در خانه در پاییز زمستان بهار و گرمای تابستان زندگی‌ام
در سکوت شب‌هایی که به سختی و تنهایی با قلم و کتابم صبح شد
و صبح‌هایی که در دگرگونی‌هایم و خستگی‌هایم به شب رسانده‌ام
من هرگاه از این زندگی به تنگ می‌ایم مینویسم
هرگاه شادم مینویسم
هرگاه غمگین بوده‌ام مینویسم
هرگاه از زندگی و ارتباط با آدم‌ها به تنگ آمده‌ام
هرگاه از زندگی روی این کره خاکی ناامید شده‌ام
نوشته‌ام
هرگاه دو عاشق دیده‌ام با عشق نوشته‌ام
از جدایی نوشته‌ام
از خدا نوشته‌ام
که شاید بتوانم اینگونه با انسان‌ها حرف بزنم که شاید این‌گونه سنگینی
بار کلماتی و آژه‌های ذهنم را با شما شریک شوم همیشه تنها چیزی
میخواستم که
شاید بتوانم با نوشتن زیبایی عشق و زندگی را در کنار تمام حس‌های
خوب و تمام احساس‌های خستگی‌اش
به تصویر بکشم
شعر راهیست زینت بخشیده شده از سمت من

برای هم کلام شدن با شما برای بیان حرف‌هایم در قالبی دیگر
بهتر بگویم این کتاب کلافی سرگردان از تمام زندگی و افکار یک دختر است
ذهنی که عاشق زندگی دوستان مادر و خانواده و تمامی انسان‌ها است
دوستان عزیز من

مرا بخوانید

هر ورق بزنید هر برگ از این تن خسته‌ام را

من با چاپ اولین کتابم

با لمس این اس‌هر برگ از این کتاب در دوستان شما

آرام می‌گیرم

احساس آرامش رو می‌زنم که کتابم را لمس کنم

برایم قابل توصیف نیست

مانند کودکی که به مادر رسیده باشد

شعرهایم را به شما رسانده‌ام

و حالا آرام گرفته‌ام

آرام می‌گیرم که شما مرا در خانه خود بپرید آرام می‌گیرم که در دوستان شما باشم

آرام می‌گیرم که بخش کوچکی از کتابخانه شما عزیزان شوم

پس مرا بخوانید که لحظه لحظه احساس و افکار خود را

برای شما شرح داده‌ام

کتاب را که در دست بگیرید

سنگینی احساس یک دختر جوان

را لمس خواهید کرد

دوستان دارم

مهدیه